

بعد از ازدواج با
همسر به دلیل علاقه
مشترک، تصمیم
به ساخت باشگاه
گرفتیم



نیمروزی در آکادمی سوارکاری
که یک زوج اداره اش می کنند

پرش از روی موانع سازمانی

در مسابقات بیشتر شده بود. سال بعد اسب جدیدی خریدم و آموزش و تمرین با او را شروع کردم. تیرماه ۷۵ در مسابقات کشوری پرش با اسب با مانع که در شهر اصفهان برگزار شد، شرکت کردم و پنجم شدم. در مسابقات قهرمانی کشور سال ۷۶ نیز به مدال طلای تیمی کشور و مقام سوم مسابقات بین المللی جام سامسونگ دست یافتیم. بعد از آن، تقریباً هر سال در مسابقات کشوری پرش با اسب شرکت می کردم و همیشه نیز مقامی را به دست می آوردم. در طول این سال ها با اسب های مختلفی در مسابقات شرکت کردم، اما «گلد فیور» بهترین اسبی است که تاکنون داشته ام. با این اسب لقب پرمختیازترین سوارکار ایران در سال ۱۳۸۲ را به دست آوردم. هنوز هم این اسب را دارم اما چون سن و سال زیادی دارد، دیگر قادر به شرکت در مسابقات نیست. با توجه به علاقه ای که به این اسب داشتم در حال حاضر آن را در باشگاه نگاه داشته ایم و دوران بازنشستگی اش را سپری می کند.»

برادران، سیدی - نجیب می خوانیمش؛ به دلیل اینکه از دیرباز افسارش را در دستان داده و در بسیاری از برهه های حساس تاریخ، یاورمان بوده است. رخس، شبیدیز و اسب های بی شمار دیگری را می توان نام برد که فردوسی، محور داستان هایش در شاهنامه را بر کول آنان چرخانده است. هر جای شاهنامه که نام رستم می آید، در پس و پیشش منتظر رخس و دلآوری هایش هستیم. از مهر و محبت خسرو و وزیر و اسبش نیز در شاهنامه چنان قوی یاد می شود که کسی جرئت اعلام خبر مرگ شبیدیز به خسرو و وزیر را ندارد. داستان این یار دیرین انسان، تنه های تاریخ ایران و شاهنامه بر نمی گردد و در اسلام نیز بر این حیوان نجیب تأکید شده و حتی پیامبر اکرم (ص)، اسب سواری را جزو سه ورزش توصیه شده به والدین برای آموزش فرزندان قرار داده است. با این مقدمه طولانی، می خواهیم ورود کنیم به آکادمی سوارکاری و مرکز پرورش اسب ملی که در شاهنامه ۷۶، مساحتی ۵ هکتار را به خود اختصاص داده و ظرفیتی ویژه برای منطقه مان شده است. امیر عطا آیت الهی و تارا صحافیان زوجی هستند که خود در باشگاه سوارکاری با یکدیگر آشنا شده اند و حالا نیز تمام هم و غم زندگی شان را به تربیت و پرورش اسب اختصاص داده اند و امیدوارند که این مرکز محلی شود برای قهرمان پروری و توسعه ورزش سوارکاری.

ورود به مسابقات در هشت سالگی

امیر عطا آیت الهی که از قهرمانان پرش با اسب کشور است و مقام های مختلفی را از هشت سالگی به دست آورده است، در حال حاضر با مدیریت این باشگاه و مربیگری تلاش می کند آموخته های خود را به سوارکاران انتقال دهد. او داستان آشنایی اش با اسب و ورود به این وادی را به کودکی اش مربوط می داند و می گوید: «زمانی که به دنیا آمدم، برادران سوارکارم و در مسابقات همیشه حائز مقام های استانی می شدند. من هم از کودکی با اسب آشنا و حتی بیشتر از آنان به این رشته علاقه مند شدم.» آیت الهی بعد از چند ماه تمرین و آموزش سوارکاری، در هشت سالگی موفق به حضور در مسابقات پرش با اسب می شود. او می گوید: «با وجود سن و سال کم و چته کوچک، بعد از چند ماه تمرین و آموزش، با فو تفن سوارکاری آشنا و در هفت سالگی آماده حضور در مسابقات شدم اما مسئولان مسابقات به دلیل امنیت جانی خودم، با این امر مخالفت کردند. سال بعد و در هشت سالگی برای اولین بار در مسابقات پرش با اسب شرکت کردم اما چون تنها یک روز قبل از مسابقه با اسبی که در اختیارم قرار گرفته بود، تمرین کوتاهی انجام داده بودم، نتوانستم با اسب هماهنگ شوم. نوبتم که شد، حرکت را آغاز کردم. شروع خوبی داشتم اما در پایان به دلیل اشتباه در مسیر، از مسابقه حذف شدم. با شرکت در این مسابقه برای اولین بار با جو شرایط مسابقات آشنا شدم و زمینه ای شد برای دقت و تمرکز بیشتر من بر فراگیری علم سوارکاری.»

کسب تبه اول مسابقات کشوری

شرکت در اولین مسابقه، پای امیر عطا را به مسابقات بعدی باز می کند و سکویی می شود برای پرش از روی مقام های کشوری. او می گوید: «با وجودی که در تجربه اولم موفقیت چندانی نداشتم، انگیزه حضورم

ماجرای آشنایی با همسر و ازدواج

آیت الهی، در کنار شرکت در مسابقات پرش با اسب، به عنوان مربی، در باشگاه سوارکاری به آموزش سوارکاران می پردازد و در همین کلاس های آموزشی با همسر آینده اش آشنا می شود. او که در طول چند سال حضور در مسابقات سوارکاری و ارتباط نزدیک با اسب های مختلف، تجربیات خوبی در زمینه تربیت اسب و آموزش سوارکار به دست آورده است، می گوید: «همسر من از بچگی اسب داشت و علاقه مند به اسب بود، وجود این حس مشترک در کنار شناختی که از هم داشتیم، موجب ارتباط بیشتر ما شد.»

تأسیس باشگاه اسب سواری توس

امیر عطا و تارا که در میدان اسب سواری با یکدیگر آشنا شده اند، بعد از ازدواج تصمیم می گیرند در مسیر توسعه اسب سواری بتازند. تأسیس آکادمی سوارکاری و مرکز پرورش اسب ملی با حمایت دکتر صحافیان، دندان پزشکی حاذق مشهدی، میسر می شود. امیر عطا می گوید: «بعد از ازدواج با همسر به دلیل علاقه مشترک برای داشتن و تربیت اسب و آموزش سوارکار، تصمیم به ساخت باشگاه

مانعی به نام سازمان و مجوز

این زوج سوارکار که از روی موانع زیادی پریده اند، پرش از روی موانع سازمان ها و دریافت مجوزها را بسیار سخت توصیف می کنند و می گویند: «بعد از راه اندازی اولیه باشگاه برای بهره برداری از باشگاه ورزشی سوارکاری در همان ماه های اول مجوزهای لازم را از اداره کل ورزش و جوانان و جهاد کشاورزی دریافت کردیم و اما برای ادامه طرح توسعه، با هدف افزایش سالن ها و مکان های جدید برای گرفتن مجوزهای لازم، به ادارات مختلف مراجعه کردیم. ۸ سازمان و ارگان در زمینه کار و شغل ما وجود دارد که برای انجام هر نوع فعالیت، باید مجوزهای لازم از آن ها گرفته شود. متأسفانه هر زمان که ما به یکی از این سازمان ها می رفتیم، مسئول مربوط بعد از اطلاع از اینکه مجوز را برای باشگاه اسب سواری می خواهیم، رفتارش تغییر می کرد و با این تصور که مادر یک رشته ورزشی مرفه فعالیت